



## Textology of treatise of *Jami' al-Hidayah fi 'Ilm al-Remayah*

 Hossein Aligholizadeh<sup>1</sup>

 Hamid Pooladi<sup>2</sup>

Submitted: 01-12-2022 Revised: 09-12-2022 Accepted: 11-12-2022 Published: 23-09-2023 pp.90-109

### Abstract

The manuscript of *Jami' al-Hidayah fi 'Ilm al-Remayah* written by Nizam al-Din Ahmad bin Muhammad known as Shuja al-Din Doroodbashi Beyhaqi, which was written in 718 A.H. with subject of shooting and archery techniques, which are arranged in seventeen separate chapters. This Treatise was published for the first time by Daneshpazhooh in 1963 in "Farhang Iranzmin" magazine without correction, editing and research on its text, based on one manuscript he had; while today thirteen manuscripts of this treatise have been registered in different Iranian and foreign libraries. because this treatise has historical and content importance, the authors intend to research on the text, in addition to introducing it, to express the necessity of correcting and edited publishing of this treatise. This research has been done with descriptive-analytical method and using available library resources. Considering that the writer of this treatise was an expert in shooting and archery, the content of the treatise, also the type and style of words and military terms usage in it are significant, and recording theme in dictionaries has a lot of importance to enrich the Persian language in this field; Also, this treatise is complementary to other treatises in this content, which prepares the way for more complete researches in this field. Regardless of the frequent use of special shooting and archery words in it, this treatise is devoid of outstanding linguistic features. Also, the prose of this treatise is eloquent, which in some cases is accompanied by verses from prominent poets of Persian literature.

**Keywords:** Jami' al-Hidayah fi 'Ilm al-Remayah, Doroodbashi, Textology, Stylistics, Manuscript.

### CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by//4/0/>)



<sup>1</sup>. Assistant professor of Persian language and literature. General Education Center, Khajeh Nasiruddin Toosi University of Technology, Tehran, Iran Email:aligholizadeh@kntu.ac.ir.

<sup>2</sup>. Assistant professor of Persian language and literature. Faculty of Industries and Management. Shahrood University of Technology. Shahrood Semnan Iran.



## References

- Afshari, Mehran and Farzad Maroji, Shooting Treatises: Ten Treatises on Shooting, Archery and Warfare, Introduction, Correction and Explanation, Tehran: Cheshme, 2018.
- Bahar, Mohammad Taghi, Stylistics, Volume 3, Fourth Edition, Tehran: Amir Kabir, 2535.
- Darudbashi, Ahmad bin Mohammad, Jame'ul-Hidayeh fi 'Alm al-Rimayeh, Farhang Iran-e-Zamin, Volume 11, with the efforts of Mohammad Taghi Daneshpajouh, Tehran: Bahman Printing House, 1963.
- Darudbashi, Ahmad bin Mohammad, Manuscript of Jame'ul-Hidayeh fi 'Alm al-Rimayeh, Edition No.: 7/288, by Hossein Nizam Qorashi Sawji, Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran, Reproduction: 982 AH.
- Drayati, Mustafa, Catalogs of Iranian Manuscripts (Fankha), edited by Mojtaba Daraiti, Tehran: National Library and Documentation Organization of the Islamic Republic of Iran, 2011.
- Durudbashi, Ahmad ibn Muhammad, manuscript of Jame' al-Hidayah fi 'alm al-Rimayyah, copy number: 2094-F, Tehran: Tehran University Library, reproduction: 2000.
- Durudbashi, Ahmad ibn Muhammad, manuscript of Jame' al-Hidayah fi 'alm al-Rimayyah, copy number: 1/4296, by Kamal al-Din Hosseini, Tehran: Tehran University Library, reproduction: 1162 AH.
- Durudbashi, Ahmad ibn Muhammad, manuscript of Jame' al-Hidayah fi 'alm al-Rimayyah, copy number: 17849, Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran, reproduction: 2000.
- Shamisa, Sirus, Prose Stylistics, 12th edition, Tehran: Metira, 2008. Fakhr Mudaber, Muhammad bin Mansour, Etiquette of War and Courage, edited by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Iqbal, 1967.



## doi متن‌شناسی رساله جامع الهدایه فی علم الرمایه

حمید پولادی<sup>۴</sup>حسین علیقلی‌زاده<sup>۳</sup>

از صفحه ۹۰ تا صفحه ۱۰۹ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

## چکیده

نسخه خطی جامع الهدایه فی علم الرمایه نوشته نظام‌الدین احمد بن محمد معروف به شجاع‌الدین درودباشی بیهقی است که در سال ۷۱۸ ه.ق. نگاشته شده و موضوع آن فنون تیراندازی و کمانداری است که در هفده فصل جداگانه ترتیب داده شده است. این نسخه را نخستین بار محمدتقی دانش‌پژوه در ۱۳۴۲ در مجله «فرهنگ ایران‌زمین» بدون تصحیح، ویرایش و پژوهش بر روی متن آن، براساس یک نسخه که در اختیار داشته، به چاپ رسانده است؛ در حالی که امروزه از این رساله سیزده نسخه در کتابخانه‌های مختلف داخلی و خارجی موجود است. از آنجا که این رساله از اهمیتی تاریخی و محتوایی برخوردار است، نویسندگان برآنند تا با پژوهش در متن این رساله، ضمن معرفی آن، ضرورت تصحیح و چاپ ویراسته این رساله را بیان نمایند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع موجود کتابخانه‌ای انجام گرفته است. با توجه به اینکه نویسنده این رساله خود در تیراندازی تخصص داشته، محتوای رساله و نیز نوع و سبک کاربرد واژگان و اصطلاحات نظامی در آن قابل توجه است و ثبت آنها در فرهنگ‌های لغات برای غنی‌بخشیدن به زبان فارسی در این حوزه اهمیتی دوچندان دارد. همچنین این رساله از نظر موضوعی تکمیل‌کننده دیگر رساله‌ها در این زمینه است که راه را برای پژوهش‌های کامل‌تر در این حوزه هموار می‌سازد. صرف‌نظر از کاربرد پرسامد واژگان و اصطلاحات ویژه تیراندازی در آن، این رساله عاری از ویژگی‌های سبکی برجسته و منحصر به فرد زبانی است. همچنین نثر این کتاب روان است که در برخی از موارد به‌همراه ابیاتی از شاعران برجسته ادب فارسی است.

**کلمات کلیدی:** جامع الهدایه فی علم الرمایه، درودباشی، نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی.

**Cite this article:** Aligholizadeh, Hossein; Pooladi, Hamid. (2023) Textology of the treatise of Jami' al-Hidayah fi 'Ilm al-Remayah. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-3, Issue-2, 90-109. <https://doi.org/10.22034/crtc.2022.375037.1052>

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی. مرکز آموزش‌های عمومی، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران  
E-mail: aligholizadeh@kntu.ac.ir

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی. دانشکده صنایع و مدیریت. دانشگاه صنعتی شاهرود. شاهرود. سمنان. ایران.



## ۱. مقدمه

در زمینه فنون تیراندازی و کمانداری در دوره‌های مختلف کتاب‌ها و رساله‌های تخصصی بسیاری به نگارش در آمده است، از جمله در دوره ساسانی رساله‌ها و کتاب‌هایی با عنوان آیین‌نامه (آیین‌نامک) تألیف شده که متأسفانه هیچ‌یک از آنها به دست ما نرسیده است. پس از اسلام نیز کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری درباره تیراندازی و کمانداری به رشته تألیف درآمده‌اند، چنانکه فخر مدبر، نویسنده آداب‌الحرب و الشجاعه، که در اوایل قرن هفت ه.ق. نوشته شده، در بحث تیراندازی چنین گفته است: «و در این معنی استادان در تیراندازی کتاب‌ها کرده‌اند و شرح آن بازگفته». (فخر مدبر، ۱۳۴۶: ۲۴۲) که برخی به زبان عربی است، از جمله فضائل الرمی فی سبیل الله تعالی از ابویعقوب اسحاق القراب الحافظ (متوفی ۴۲۹ ه.ق.)، السبق و الرمی و اسلحه المجاهدین از مؤلفی مجهول، بغیه المرام و غایه الغرام فی رمی السهام از علاء‌الدین طیبغا اشرفی بکلمیشی یونانی (متوفی ۷۹۷ ه.ق.) و برخی به زبان فارسی است که رساله‌های هدایه‌الرمی از محمد بن سید میرعلوی، ایضاح از طاهر ماوراء‌النهری، منتخب‌الزمان در بیان تیراندازی از محمدزمان، چهارده باب در تیر و کمان و دوازده قاعده تیراندازی از آن جمله است.

رساله جامع‌الهدایه فی علم الرمایه نوشته نظام‌الدین احمد بن محمد بن احمد معروف به شجاع‌الدین درودباشی بیهقی المعروف به نظام‌الملک الحسن بن اسحق البیهقی یکی از این گونه رسایل مربوط به تیراندازی و کمانداری است که به تبع رساله‌های پیش از خود در ابتدای قرن هشتم (نیمه جمادی‌الآخر سال ۷۱۸ ه.ق.) در هفده فصل به رشته تحریر درآمده است: «و تاریخ منشای این کتاب منتصف ماه جمادی‌الآخر سنه ثمان عشر و سبعمائه اتفاق افتاد.» (درودباشی، ۱۳۴۲: ۲۷۲)

ناشناختگی این رساله و عدم آشنایی پژوهشگران با آن، عامل اصلی این پژوهش است تا بدین ترتیب با رویکرد سبک‌شناسانه زمینه معرفی این نسخه گمنام و ارزشمند به جامعه علمی و نیز پژوهشگران عرصه متون فارسی فراهم شود. همچنین نویسندگان برآنند با این کار مقدمه تصحیح و چاپ منقح و پیراسته این نسخه را براساس نسخ متعدد و موجود نویافته فراهم سازند.



## ۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه کار باید گفت که این رساله نخستین بار به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه در مجله «فرهنگ ایران زمین» سال ۱۳۴۲، شماره ۱۱ در صفحات ۲۲۹ تا ۲۸۰ بدون تصحیح به چاپ رسیده است و بعد از آن هم هیچ کار دیگری روی آن انجام نگرفته است. دانش‌پژوه در چاپ این رساله فقط از یک نسخه (موجود در کتابخانه لغت‌نامه دهخدا، به شماره نسخه ۲۸۸/۷) بهره برده: «نگارنده تا آنجا که در فهرست‌ها گشتم و از دانشمندان پرسیدم نسخه دیگری از رساله نیافتم ناگزیر متن را بی‌آنکه دستی به آن بزنم در اینجا به چاپ رساندم و امیدوارم که کس دیگر بتواند از روی نسخه دیگر یا طبق قراین آن را درست‌تر از آنچه که در اینجا آمده است اصلاح کند.» (درودباشی، همان: ۲۷۷)

## ۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش در بخش معرفی نسخه با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع موجود انجام گرفته و در بخش بحث و بررسی توصیفی-تحلیلی است که مبانی نظری آن براساس برخی از پژوهش‌های مربوط به سبک‌شناسی نثر و توصیف و تحلیل آن برپایه متن کامل رساله جامع‌الهدایه فی علم الرمایه است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۱-۲. معرفی نویسنده

نام درودباشی در هیچ‌یک از منابع، مانند لغت‌نامه دهخدا و اعلام معین و دیگر منابع در دسترس یافت نشد و اطلاعات ما از نویسنده کتاب فقط منحصر به متن همین رساله است. «گویا از خاندان نظام‌الملک الحسن بن اسحق بیهقی شاگرد یکی از استادان در صفهان است.» (درایتی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۰) آن‌چنان که از متن رساله برمی‌آید، نویسنده در باشتین بیهقی می‌زیسته است و در فن تیراندازی و تیرتراشی مهارت برجسته داشته و شغل وی نیز همین بوده است؛ طوری که ذکر می‌کند با حضور تیراندازان و شاهدان، صدوپنجاه گز تیر انداخته که به گمان خودش بسیار بوده است. کسب ثواب اخروی، نیازمندی یادگیرندگان به داشتن استاد و راهنما در این کار، و درنهایت، دعای خیر یادگیرندگان و بهره‌برندگان از این کتاب، دلایل تألیف این رساله به گفته خود نویسنده است. (درودباشی، همان: ۲۳۴)



کاتب این نسخه هم، همچنان که در پایان رساله آمده، شخصی به نام حسین نظام قرشی ساوجی است: «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب في شهر ذوالقعدة سنة ٩٨٢ كاتبه العبد حسين نظام القرشي ساوجي». (همان: ٢٧٦) نکته بسیار مهم و قابل توجه در این باره این است که استاد محمدمتقی دانش‌پژوه، نام کاتب را به اشتباه در پایان رساله به عنوان نام نویسنده ذکر کرده و اطلاعاتی هم درباره او به دست داده است: «نویسنده این رساله که از خود به نام حسین نظام قرشی ساوجی نام می‌برد گویا پدر نظام‌الدین محمد بن کمال‌الدین حسین بن نظام‌الدین قرشی ساوجی است که از دوستان شیخ بهایی بود و پسرش به او سپرده شده بود و زبردست استاد به‌خوبی پرورده شد و از شاگردان او در سفر همراه او بود و پس از مرگ استاد نزد شاه‌عباس از بزرگان به حساب می‌آمد و کتاب جامع عباسی استاد را در آدینه ٢٠ شعبان ١٠٣٢ کامل کرده» (همان: ٢٧٧) وی همچنین درباره کاتب رساله اظهار بی‌اطلاعی کرده، درحالی‌که در پایان رساله نام کاتب ذکر شده است: «کاتب نسخه هر که بوده است چندان به اصطلاحات تیراندازی‌آشنایی نداشته و متنی پرغلط و در بسیاری از جاها بی‌نقطه از خود به یادگار گذاشته و شاید هم این نسخه را از نسخه مغلوط دیگری برای خود نوشته و می‌خواسته است که بعدها آن را تصحیح کند.» (همان)

## ٢-٢. معرفی نسخه‌های رساله

از رساله جامع‌الهدایه فی علم الرمایه براساس فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) و تارنمای کتابخانه ملی (www.nlai.ir)، سیزده نسخه ثبت شده است که برخی در کتابخانه‌های ایران و برخی در کتابخانه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شود:

### فهرست نسخه‌های موجود در ایران

١. تهران: لغت‌نامه دهخدا؛ شماره نسخه: ٢٨٨/٧؛ کا: حسین نظام قرشی ساوجی، تا: ذی‌قعدة ٩٨٢ ق؛ افتادگی: آغاز و انجام؛ جلد: تیماج قهوه‌ای، قطع: ربعی [نشریه: ٣-٤١١]. ٢. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ٢٠٩٤-٢؛ ف: نسخه اصل: همان نسخه بالا [فیلم‌ها ف: ١-٦٥]. ٣. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ شماره نسخه: ٨٤٥٠/٨؛ خط: نستعلیق، کا: محمدمصدق جامی، تا: دوشنبه غره صفر ١٠٨٠ ق، جلد: تیماج مشکی، ٣ گ (١٣٦ پ-١٣٨ ر)، اندازه: ٥/٢٥×٥/١٥ سم [ف: ٢٨-٥٠]. توضیح: با مراجعه به تارنمای کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مشخص شد که این شماره مربوط به «ترجمه رساله ذهبیه» است و ربطی به جامع‌الهدایه ندارد و اشتباه ثبت شده است. ٤. قم: کتابخانه گلیپایگانی؛ شماره نسخه: ٣/٦٨٢٤-٣٥/٤؛ خط:



نستعلیق، کا: صالح بن عباس کاشانی، تا: ۴ رمضان ۱۱۱۱ق؛ جلد: تیماج روغنی مشکی، ۱۷گ، ۳۰ سطر، اندازه: ۳۷×۲۴ سم [ف: ۳-۱۱۳۷]. ۵. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ۴۲۹۶/۱؛ خط: نستعلیق، کا: کمال‌الدین حسینی، تا: دوشنبه ۱ ذی‌قعدة ۱۶۲ق، جا: گنجی کوهه؛ کاغذ: سپاهانی، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۱۶ (پ-۲۳)، ۹ سطر (۱۰×۴)، اندازه: ۱۷×۹ سم [ف: ۱۳-۳۲۶۵]. ۶. تهران: کتابخانه ملی؛ شماره نسخه: ۱۷۸۴۹؛ بی‌کا، بی‌تا؛ انتقالی از کتابخانه پهلوی- مجموعه نوازی؛ اندازه: ۶/۲۱×۶/۱۳ سم [رایانه].

### فهرست نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های خارج از ایران

۷. حیدرآباد: کتابخانه سالار جنگ؛ شماره نسخه: (۴۲۵۷) ۲. TA؛ وضعیت استنساخ: اواخر قرن ۱۱، مشخصات ظاهری: ۲۱ برگ، ۹ سطر؛ ۱۷×۱۰ س م؛ خط: نستعلیق خوب. ۸. دوشنبه: کتابخانه ملی تاجیکستان؛ شماره نسخه: ۱۵۸۵/۵؛ وضعیت استنساخ: ۱۲۲۴ ق.؛ مشخصات ظاهری: ۲۰ صفحه؛ خط: نستعلیق. ۹. لاهور: کتابخانه دانشگاه پنجاب؛ شماره نسخه: PH III ۱۴۳/۱۶۳۸/۱؛ وضعیت استنساخ: معراج‌الدین احمد قادری؛ مشخصات ظاهری: ۱-۱۶ (۱۶ برگ)؛ تا: ۱۳۲۳ ه. در دهلی از روی نسخه مورخ ۱۰۴۸ ه. ۱۰. رامپور: کتابخانه رامبور (رضا)؛ شماره نسخه: ۱۵۲۰ع؛ تاریخ استنساخ: ۱۰۱۰ ق.؛ مشخصات ظاهری: ۸۱ ب-۸۲ الف (۲ برگ). ۱۱. دوشنبه: کتابخانه ملی تاجیکستان؛ شماره نسخه: ۱۵۸۵/۳؛ تاریخ استنساخ: ۱۲۲۴ ق.؛ مشخصات ظاهری: (۱۹۳-۱۹۸ آ) (۵ برگ)؛ ۲۳×۱۴ س م؛ خط: نستعلیق تحریری. ۱۲. احمدآباد: کتابخانه درگاه پیرمحمدشاه؛ شماره نسخه: A/۱۸۳۵؛ مشخصات ظاهری: ۲۱ برگ، ۱۵ سطر؛ ۱۳×۲۳ س م؛ خط: نستعلیق.

### ۳-۲. ویژگی‌های سبکی

نثر این رساله با ویژگی‌های سبکی نثر قرن هشتم که ساده و روان و عاری از پیچیدگی‌های نثر فنی و مصنوع است، تا حد زیادی همخوان است که این ویژگی یکی از آثار حمله مغول در نثر فارسی این دوره (دوره ایلخانان مغول) است: «اثرات حمله مغول یعنی رواج تاریخ‌نویسی و ساده شدن نثر در قرن هشتم آشکار شد.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

البته باید متذکر شد که علی‌رغم تخصصی بودن موضوع کتاب و پرداختن به علم تیراندازی در آن، نثر کتاب سست و بی‌مایه است و از مؤلفه‌های ادبی در آن نمی‌توان چندان نشانی یافت؛ هرچند این موضوع را می‌توان به



سبک دوره نیز مرتبط دانست: «از همین تاریخ [اواخر قرن هفت و اوایل قرن هشت] ضعف ادبی و سستی و فتور و عدم توجه و اعتنا به اصلاح و علاج نثر پدیدار می‌گردد و مقدمات فساد نثر و عدم غور و تعمق در ادای لغات و عبارات و از یاد رفتن دستور صرف و نحو و رکاکت لفظ و معنی آشکار می‌شود.» (بهار، ۲۵۳۵، جلد ۳: ۱۷۹) در اینجا این رساله در سه سطح فکری و محتوایی، ادبی و زبانی بررسی می‌شود.

### ۱-۳-۲. سطح فکری و محتوایی

موضوع اصلی فکری و محتوایی این رساله، چنان که از نام آن پیداست، مربوط به فنون تیراندازی و کمانداری است که در هفده فصل مجزا آمده است: در سبب نزول تیر و کمان؛ در صفت مردان تیرانداز؛ در معرفت تیر و کمان؛ در معرفت تیر و فخر آن؛ در معرفت آدمی و صندوق؛ در معرفت استادان و نشستن؛ در معرفت قبضه و کمان گرفتن؛ در معرفت پیوستن تیر به زه کمان؛ در معرفت نشستن شست؛ در معرفت علم نظر؛ در معرفت گشادن شست؛ در معرفت بستن زه؛ در معرفت تربیت آدمی؛ در معرفت قطع مسافت؛ در معرفت جنبش تیر؛ در معرفت انداختن پرتاب؛ در معرفت عمل تراشیدن.

علاوه بر موضوع اصلی رساله، نویسنده به مضامین تعلیمی، مذهبی، آداب و رسوم عامیانه، حکایات، اشارات دینی و غیره پرداخته است. رساله برخلاف متون فارسی که اغلب با توحیدیه و تممیدیه مفصل آغاز می‌شود، فقط با یک جمله عربی «الحمد لله رب العالمین و الصلوه و السلم علی محمد و ولیه علی و آلهما الطیبین الطاهرین اجمعین» (درودباشی، همان: ۲۳۰) آغاز شده است. در ذیل به برخی از مهم‌ترین موضوعات فکری اشاره می‌شود.

**کاربرد آیه و حدیث:** از پیامبر اکرم (ص): «من ترک السلاح فلیس منی» (همان: ۲۳۲)؛ «کما قال الله تعالی: و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم. و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را بر سر منبر سه بار بخواند و گفت الا این القوه الرمی: یعنی بدانید قوت تیراندازی است و فرمود که ارموا أو اِرکبوا و اِن تَرْمُوا أَحَبَّ اِلَى اللّهِ مِنْ اَنْ تَرکبوا، یعنی تیراندازی کنید نزدیک خدای که دوستر از سواری است» (همان: ۲۳۳)؛ «و قال الله تعالی و لا یطئون موطئا یغیظ الکفار و لا ینالون من عدو نیلا الا کتب لهم به عمل صالح ان الله لا یضیع اجر المحسنین» (همان: ۲۳۳)؛ «امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیه الصلوه و السلام فرموده است: ظَهَرَ القوس بَطَلَ الشَّجَاعَه» (همان: ۲۴۵-۲۴۶)؛ «رسول (ص) فرمود: یا سعد! اِرم فَدِیکَ اَبی و اُمّی» (همان: ۲۴۵).



**شیعه بودن نویسندگان:** با کمال شگفتی باید گفت که براساس شواهد همین رساله، نویسنده از اهل تشیع بوده است. چنانکه این موضوع از جمله آغازین رساله مشخص است: «الحمد لله رب العالمین و الصلوه و السلم علی محمد و ولیه علی و آلهما الطیبین الطاهرین اجمعین» (همان: ۲۳۰) در چند جای دیگری از رساله به این موضوع با صراحت اشاره می‌کند: «سلاح امیرالمؤمنین و امام المتقین علی ابن ابی طالب علیه الصلوه و السلام و حمزه عبدالمطلب علیه السلام شمشیر بوده است» (همان: ۲۳۱)؛ «کلّ شجاع ابله الا علی ابن ابی طالب علیه السلام» (همان: ۲۳۲)؛ «ائمه و معصومین علیهم السلام تیراندازی کرده‌اند» (همان: ۲۴۶)؛ «انبیا و اولیا و ائمه علیهم السلام» (همان: ۲۳۰).

**اشارات و باورهای دینی:** «جای تیراندازی روضه‌ای از روضه‌های بهشت است و چون پای برهنه روند چنان باشد که در روضه‌ای از روضه‌های بهشت می‌روند» (همان: ۲۳۳)؛ «در هر قدمی در تیراندازی ثوابی است هر چند دورتر ثواب بیشتر» (همان: ۲۳۳)؛ «هر کسی که در علم و عمل تیراندازی شروع کند باید که پیوسته با طهارت باشد و شهادت و صلوات و تکبیر گوید» (همان: ۲۳۴)؛ «این دو چیز را طالب بودن و تعظیم نمودن از جمله واجبات بود خصوصاً طلب علم و بعد از آن طلب سلاح شوری» (همان: ۲۳۰) «گویند در خانه‌ای که تیر و کمان باشد، شیطان در آن خانه نشود» (همان: ۲۴۶)؛ «تیراندازی از عمل صالحان است» (همان: ۲۳۳).

**استفاده از حکایت:** حکایت آوردن تیر و کمان به آدم و آموختن تیراندازی به او توسط جبرئیل<sup>(ع)</sup> (همان: ۲۳۲)؛ حکایت کمان فرستادن پادشاه حبشه به پیامبر<sup>(ص)</sup> (همان: ۲۳۲)، حکایت طاهر بلخی و ذکر مهارت در نظر کردن به تیر (همان: ۲۵۷)؛ حکایت عیسی بن عشر و ذکر اهمیت ممارست در کسب مهارت در تیراندازی (همان: ۲۶۳).

**استفاده از اشعار فارسی:** نویسنده در خلال مباحث خود، برای تکمیل و توضیح موضوع، از اشعاری استفاده کرده است که برخی مربوط به شاعران برجسته فارسی است و برخی مربوط به طاهر بلخی<sup>۵</sup> (ر.ک: همان، صفحات ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱) و تعداد معدودی از اشعار نیز سروده خود نویسنده است:

<sup>۵</sup> طاهر بلخی، از استادان برجسته در فن تیراندازی، قصیده‌ای در تبیین فنون تیراندازی و کمانداری دارد (برای مشاهده کل قصیده، ر.ک: افشاری و مروجی، ۱۳۹۷: ۲۶۵-۲۶۷).



این پدیده است در جهان باری / کار هر مرد و مرد هر کاری (همان: ۲۳۰) (از سنایی)؛ هست در این دایره لاجورد / مرتبه مرد به مقدار مرد (همان: ۲۳۰) (از نظامی)؛ پالانگری به‌غایت نیک / بهتر ز کلاه‌دوزی بد (همان: ۲۳۰) (از نظامی)؛ بود هر کار بی‌استاد دشوار / نخست استاد باید آنگهی کار (همان: ۲۳۴) (از نظامی)؛ مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت / کند در حق درویشان دعایی (همان: ۲۳۴) (از حزین لاهیجی)؛ آن که نگریزد گنه دارد به خون خویشتن / وان که بگریزد گنه دارد به خون لشکری (همان: ۲۴۷) (از سعدی)؛ اندازه نگه دار که اندازه نکوست (همان: ۲۶۱) (از سعدی).

**اشارات تاریخی:** «در شاهنامه آورده که تیر رستم مقدار نیزه‌ای بوده و پیکان تیر سه‌پر و هرگز در هیچ زمان تیر از این دورتر نینداخته‌اند که در این زمان و ساز از این بهتر نبوده است» (همان: ۲۶۹)؛ «اول گروهی که کارد برگرفتند... و در دیار مصر بی‌حد باشند و ایشان را اسماعیلیان خوانند» (همان: ۲۳۱)؛ «دیگر حجت خراسان ناصرالدین خسرو نهصد پیشه جمع کرده است و صنعت تیرتراشی با همه برابر نهاده است» (همان: ۲۴۶).

## ۲-۳-۲. سطح ادبی

از آنجا که موضوع رساله تخصصی است و در آن نویسنده به فنون تیراندازی و کمانداری پرداخته، و نیز متناسب بودن سبک نگارش متن رساله با سبک ساده و روان قرن هشتم، توجه زیادی به سطح ادبی نداشته، ولی همچنان می‌توان شواهدی از ادبیت متن در آن نشان داد که البته این ادبیت متن، حضوری ناخودآگاه دارد.

**کاربرد تشبیه:** نویسنده در به‌کارگیری تشبیهات، بیشتر از نوع مجمل و بلیغ استفاده کرده است؛ همچنین اغلب تشبیهات به اعتبار طرفین، حسی به حسی است و به اعتبار مفرد یا مرکب بودن، غالب آنها از نوع مفرد است.

## انواع تشبیه

**تشبیه بلیغ:** به‌شکل اضافی: قانون عادت (همان: ۲۳۷)؛ خزانه خاطر (همان: ۲۳۳)؛ مقیاس گمان (همان: ۲۴۳)؛ به‌شکل غیراضافی (اسنادی): «هر آن کس که او را هنری و علمی نباشد، حیوانی بوده» (همان: ۲۳۰)؛ آتش غذای کمان نهاده‌اند (همان: ۲۳۹)؛ پیکان خصم است (همان: ۲۴۲)؛ پرتاب اندازی پادشاه تیراندازی بود (همان: ۲۵۰)؛ آیین تیرانداز نشانه اوست (همان: ۲۵۵)؛ باید سبابه آسمان باشد و ابهام زمین (همان: ۲۵۷)؛ تیر و کمان سپر بود در پیش تیراندازان (همان: ۲۵۰)؛ دست کمان استون است. (همان: ۲۵۹)؛ «جای تیراندازی



روضه‌ای از روضه‌های بهشت است.» (همان: ۲۳۳).

**تشبیه مجمل:** «چون پای برهنه روند چنان باشد که در روضه‌ای از روضه‌های بهشت می‌روند.» (همان: ۲۳۳)؛ «و تیرانداختن در نشانه همچنان است که در غزو در روی کفار قتال کردن» (همان: ۲۳۳)؛ «صندوق صفت محتسب، و نشانه جای صفت قاضی و الگو شحنه، پرتاب صفت سلطان» (همان: ۲۶۷)؛ «گرفتن دیگر را قلمی خوانند چنانکه قلم به دست دبیر» (همان: ۲۵۲)؛ «چون تیر تمام کشیده بود میان زه که در پس انگشتوانه همچو زاویه شده باشد» (همان: ۲۵۵)؛ «ترکیب کمان همچنان است که شخص با جان و حرکت و نطق» (همان: ۲۴۴)؛ «سر گوشه کمان چون منقار طوطی» (همان: ۲۶۱)؛ «گر به مثل خصمت آهن است» (همان: ۲۶۱)؛ «ناگاه عشر از خیمه به فضای حاجت بیرون آمد و مشغول شد همچنان که کسی خیکی پر از آب بگشاید» (همان: ۲۶۴).

**گسترده (مطلق / مبتذل):** «در صورت اندازی قد چون الف راست باید» (همان: ۲۳۸)؛ «سه سر زه کمان... چون دهان ماهی باید باز» (همان: ۲۶۱)؛ «کمان همچون حلقه حمایل کرده بود» (همان: ۲۳۹)؛ «شهادت و صلوات و تکبیر گوید مثل عارفان» (همان: ۲۳۴)؛ «قبضه چون آهن سخت شده باشد» (همان: ۲۶۱)؛ «شاگرد را آن صنعت همچو اسبابی بود که مادام دخل آن برمی‌دارد» (همان: ۲۳۴).

**تسویه (مزدوج):** «تیر و کمان سپر بود در پیش تیراندازان» (همان: ۲۵۰).

**جمع:** «چون تیر بی‌پیکان بود مثل جوچاق و طغمار تیر به خلاف تیرانداز به زمین آید» (همان: ۲۵۳).

**کاربرد کنایه:** کاربرد کنایه در این رساله بیشتر مربوط به موضوع تخصصی کتاب است و کنایه‌های غیرمرتبط با بحث کتاب، کمتر در این رساله کاربرد دارد. برخی از این کنایه‌ها پیش‌پاافتاده و مبتذل هستند و در آثار دیگر نویسندگان و شاعران هم به‌وفور مشاهده می‌شوند: «جبرئیل علیه السلام تیر و کمان آورد و برابر آدم به زه کرد» (همان: ۲۳۶)؛ «تیرانداز هر چند لاغر اندام تر و کم‌گوشت تر بود تیر از دست او تیز نرود» (همان: ۲۳۷)؛ «و تیراندازان گویند که نماز پر جنازه آن تیرانداز بیاید کرد که جهد نکرده باشد که تیر در کمان آرد و آن از بی‌وقوفی و بی‌معرفتی تیرانداز بود» (همان: ۲۵۴)؛ «تیراندازی طلب باید کرد... تا به زخم چوبه تیر دمار از روزگار و گرد از نهاد او برآرد» (همان: ۲۶۴)؛ «اگر بگریزد به خون قوم خود قصد کرده بود» (همان: ۲۴۷)؛ و از اینجا گویند تیرانداز روز بود که زر اندوزد و روز بود که خاک بیزد» (همان: ۲۶۸).



همچنین نویسنده در ساخت و به‌کارگیری برخی دیگر از کنایه‌ها، خلاقانه و هنرمندانه عمل می‌کند و کنایه‌های مبتکرانه و منحصر به فرد می‌سازد: «در شب تاریک به حدت اطراف پیکان تیر از مژه از چشم مورچه بر باید» (همان: ۲۳۴)؛ «تیر باردار بود و گیسو کشد» (همان: ۲۳۸)؛ «چوب به چوب کشد» (همان: ۲۴۲)؛ «شست چنان بیاید گرفت که اگر مگسی بر پیکان تیر [باشد] از کمان نیفتد» (همان: ۲۵۵)؛ «تیراندازی پیدا کردند که شب تاریک به تیر باریک خال از رخ زنگی ربودی» (همان: ۲۶۴).

**کاربرد استعاره:** با توجه به اینکه این رساله آموزشی و تعلیمی است، کاربرد استعاره در آن معدود و انگشت‌شمار است و همه استعاره‌های مستخرج از این رساله، مکنیه هستند و هیچ استعاره مصرحه‌ای در این رساله به کار نرفته است. بیشتر استعاره‌های به‌کاررفته نیز به‌شکل اضافه‌های استعاری آمده است: «نطق کمان آن بود که چون تیر اندازند، آواز زه برآید» (همان: ۲۴۴)؛ «و در دهان نای رسول (ص) را ناسزا می‌گفتند» (همان: ۲۴۵)؛ و نیز بنگرید به: «آواز زه» (همان: ۲۴۴)؛ «پای کمان» (همان: ۲۴۸)؛ «رخ سبابه» (همان: ۲۵۴)؛ «دست کمان» (همان: ۲۵۵)؛ «دهان سوفار» (همان: ۲۵۴)؛ «بناگوش کمان» (همان: ۲۵۵)؛ «دهان تیر» (همان: ۲۶۶)؛ «چون بر زه بود اگر چاشنی زه کنند نالان شود» (همان: ۲۴۴)؛ «و باید آنجا که تیر مفاک شود و بسیار گیسو کشد آزاد باشد» (همان: ۲۵۴).

**کاربرد کلمات متضاد:** پادشاه / رعیت (همان: ۲۳۲)؛ وضع / شریف (همان: ۲۳۲)؛ عالم / جاهل (همان: ۲۳۲)؛ بنده / آزاد (همان: ۲۳۲)؛ توانگر / درویش (همان: ۲۳۲)؛ ظاهر / باطن (همان: ۲۳۰)؛ اسفید / مشکین (همان: ۲۷۱)؛ عاقل / جاهل (همان: ۲۳۱)؛ عرب / عجم (همان: ۲۳۴)؛ کوتاه / دراز (همان: ۲۳۴)؛ دور / نزدیک (همان: ۲۳۴)؛ صبا / مسا (همان: ۲۳۴)؛ بلند / کوتاه (همان: ۲۳۶)؛ بالا / زیر (همان: ۲۳۸)؛ خطا / صواب (همان: ۲۳۸)؛ کوتاهی / درازی (همان: ۲۳۷).

### ۳-۲. سطح زبانی

#### موسیقایی

**کاربرد واج‌آرایی:** «خزانه خاطر خود» (همان: ۲۳۳)؛ «سست بار بسیار بر سوفار نهد و سست آزاد شود» (همان: ۲۴۲)؛ «تعلیم و تقدیم و تعویج و تقویم» (همان: ۲۳۴)؛ «دقیقه طریقه» (همان: ۲۳۴)؛ «نصیبه ثواب صلوات»



(همان: ۲۳۴)؛ «به سبب تصدیق صحت» (همان: ۲۳۴)؛ «با تمام ترتیب و تقریر و تحریر» (همان: ۲۳۵)؛ «گرد گیرد» (همان: ۲۳۷).

**کاربرد سجع:** رزمی / بزمی (همان: ۲۳۱)؛ تاریک / باریک (همان: ۲۶۴)؛ فلک / ملک (همان: ۲۳۰)، وقاد / نقاد (همان: ۲۳۰)، عاقلان / جاهلان (همان: ۲۳۱)، ایشان / اسماعیلیان (همان: ۲۳۱)، مؤمنین / متقین (همان: ۲۳۱)، انبیا / اولیا (همان: ۲۳۲)، چنان / کمان / توان (همان: ۲۳۲)، دست / شست (همان: ۲۳۲)، پرداخته / ساخته (همان: ۲۳۳)، تیر / نیز (همان: ۲۳۳)؛ شهادت / طهارت (همان: ۲۳۴)؛ شاکر / ذاکر (همان: ۲۳۴)؛ مدد / دهد (همان: ۲۳۴)؛ پیکان / کمان (همان: ۲۳۷)؛ هیکل / هیئت (همان: ۲۳۸)؛ کشتار / مردار (همان: ۲۴۳).

### لغوی

**کاربرد واژگان نادر و ناشناخته:** آدمی (همان: ۲۳۴) وارن (همان: ۲۴۰)، صحرار (همان: ۲۳۲)، قوچاق (همان: ۲۵۲، ۲۶۷)، جوچاق (همان: ۲۵۳)، طغمار (همان: ۲۵۳)، خافلاموشی (همان: ۲۶۴)، بورماح، طاسخوره (همان: ۲۷۱)، شطاره (همان: ۲۷۳)، جلنبر، سارم (همان: ۲۷۶)، کشف‌الریاض (همان: ۲۴۲)، گاورسه (همان: ۲۵۳)، کره‌کش (همان: ۲۵۹)، فلاح‌کش (همان: ۲۵۹)، حوارانداز (همان: ۲۶۷)، پیچبان (همان: ۲۶۸)، هرسامی (همان: ۲۶۸)، می (همان: ۲۷۰)، کفاف (همان: ۲۷۰)، قچی (همان: ۲۷۱)، دال (همان: ۲۷۱)، مشکین (همان: ۲۷۱)، پراساور (همان: ۲۷۱).

**کاربرد واژگان و اصطلاحات مرکب:** سلاح‌شوری (همان: ۲۳۰)، لعب نمودن (همان: ۲۳۱)، کارد فرمودن (همان: ۲۳۱)، تیرتراشی (همان: ۲۳۴)، سرمه‌کش (همان: ۲۳۷)، زیرسری (همان: ۲۳۲)، راست‌اندازی (همان: ۲۳۴)، صورت‌اندازی، پیش‌روی (همان: ۲۳۸)، مادرانداز (همان: ۲۳۹)، حکم‌انداز (همان: ۲۳۹)، جمع‌انداز (همان: ۲۳۹)، دیمه دادن (همان: ۲۳۹)، پرتاب‌اندازی (همان: ۲۳۸)، دوراندازی (همان: ۲۳۸)، ازدهادم (همان: ۲۵۷)، نیم‌روی (همان: ۲۵۸)، کاغذبازان (همان: ۲۵۰)، خوداندازی (همان: ۲۶۷)، قلم‌انداختن (همان: ۲۶۷).

**کاربرد واژگان و اصطلاحات خاص تیراندازی و کمانداری:** قلبکی (همان: ۲۳۲)، برسنبوسک (همان: ۲۷۳)، سفتج (همان: ۲۵۳)، قرجه چکاوگاه (همان: ۲۴۲)، دیمه (همان: ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۱)، کبوتر جان (همان: ۲۶۷).



(۲۴۴)، محرف (همان: ۲۳۲)، صندوق (همان: ۲۳۴)، برون (همان: ۲۳۷)، فصله (همان: ۲۳۸)، خارج (همان: ۲۳۸)، ندب (همان: ۲۳۹)، مزاجه (همان: ۲۴۲)، حساب خانه (همان: ۲۴۲)، حرايه (همان: ۲۴۲)، برنجک (همان: ۲۴۲)، عرق (همان: ۲۴۲)، صفه زه (همان: ۲۴۳)، پیچ پاک (همان: ۲۴۳)، میدان (همان: ۲۴۴)، نقطه‌گاه (همان: ۲۴۴، ۲۵۳)، می (همان: ۲۴۹، ۲۶۹)، دست پاشنه (همان: ۲۵۱)، پل و مجری (همان: ۲۵۱)، قبضه چنگل (همان: ۲۵۲)، خندان بهرامی (همان: ۲۵۲)، نظری طاهری (همان: ۲۵۲)، چهارگرفت (همان: ۲۵۲)، گره، رمحی، قلمی (همان: ۲۵۲)، شهانه (همان: ۲۵۸)، حمال (همان: ۲۵۹)، کمان مربع (همان: ۲۶۰)، کمان هموارقبضه (همان: ۲۶۰)، کمان چهارخیم (همان: ۲۶۰، ۲۷۴)، کمان مدور (دمشقی) (همان: ۲۶۰)، سه سر (همان: ۲۶۰، ۲۶۸)، فرجه (همان: ۲۶۰)، قبضه رخ (همان: ۲۶۱)، نهاد (همان: ۲۶۱)، تارک حساب (همان: ۲۶۲)، گنبدگاه (همان: ۲۶۷، ۲۷۳)، تیری مجری (همان: ۲۶۷)، تعلیق (همان: ۲۶۷)، پیغامی (همان: ۲۶۷)، سه ثلث (همان: ۲۶۸)، شفق (همان: ۲۶۸)، خزانه (همان: ۲۶۸)، سرو (همان: ۲۶۸)، می عادت (همان: ۲۶۸)، می کمان (همان: ۲۶۹)، مجری (همان: ۲۶۹)، پیکان برنجک (همان: ۲۷۰)، سنجاق (همان: ۲۷۰)، خصمانه (همان: ۲۷۲)، اعراض (همان: ۲۷۳)، حکم اندازد (همان: ۲۷۳)، عدل (همان: ۲۷۳)، تیر گاودم (همان: ۲۷۳)، آق (همان: ۲۷۴)، حباله (همان: ۲۷۴)، فارس (همان: ۲۷۴)، فاق (همان: ۲۷۵)، سم (همان: ۲۷۵)، حمصی (همان: ۲۷۵)، سردفک (همان: ۲۷۵)، مارسر (همان: ۲۷۵)، باریک (همان: ۲۷۵)، سر (همان: ۲۷۵)، جمعی (همان: ۲۷۵)، فندقی (همان: ۲۷۵)، محرعی (همان: ۲۷۵)، صیفی (همان: ۲۷۵)، شتوی (همان: ۲۷۵)، شاطر مقام (همان: ۲۷۶).

**کاربرد کلمات عربی:** اما بعد (همان: ۲۳۰)، استطاعت (همان: ۲۳۰)، راغب (همان: ۲۳۱)، مشاهره (همان: ۲۳۱)، حرب، خصم (همان: ۲۳۱)، ربض (همان: ۲۳۳)، فریضه (همان: ۲۳۳)، تعویج، تقویم، تعلیم، تقدیم (همان: ۲۳۴)، تصیف (همان: ۲۳۹)، علیحده تری (همان: ۲۴۱)، معید (همان: ۲۴۵)، طعون (همان: ۲۴۵)، کلبتین، مطرقه (همان: ۲۴۵)، تمامت (همان: ۲۴۹)، مُدرک (همان: ۲۴۹)، یمین، یسار، بطانه (همان: ۲۵۰)، و السلام (همان: ۲۵۱)، لعب (همان: ۲۵۲)، مداومت (همان: ۲۵۶)، سبق (همان: ۲۵۷)، مرفق (همان: ۲۵۸)، منقاد، مسخر (همان: ۲۶۴)، خصیه (همان: ۲۶۴)، بصر (همان: ۲۶۴)، علیحده (همان: ۲۶۴)، فضله (همان: ۲۶۵)، خصمانه (همان: ۲۶۵)، فعل (همان: ۲۶۷)، فضل (همان: ۲۷۰)، تکسری (همان: ۲۷۲)، منتصف ماه (همان: ۲۷۲)، سنه ثمان عشر و سبعمائه (همان: ۲۷۲)، مضرب (همان: ۲۷۲)، منتها (همان: ۲۷۲)، معید



(همان: ۲۷۳)، بتوفیق الله تعالی (همان: ۲۷۴)، متردد (همان: ۲۷۵)، متوهم (همان: ۲۷۵)، صواب المکارشه (همان: ۲۷۶)، ثوابک الله و عطاک العافیة (همان: ۲۷۶)، بثواب الحاضرین (همان: ۲۷۶)، الفراقی فی سبیل الله (همان: ۲۷۶)، صائب (همان: ۲۷۶)، سحار (همان: ۲۳۲)، فرط جهل (همان: ۲۳۲)، ماضی (همان: ۲۳۲)، مخاطره (همان: ۲۳۳)، استعمال (همان: ۲۳۳)، ذمه (همان: ۲۳۴)؛ فهرست الفصول (همان: ۲۳۵)؛ لوح محفوظ (همان: ۲۳۶)؛ متقارب (همان: ۲۳۶)؛ مکسور بلاعوج (همان: ۲۳۹)؛ حقه (همان: ۲۴۱)؛ مزاجه (همان: ۲۴۲)؛ سیف‌الله المسلول (همان: ۲۴۶)، انشاب السبق (همان: ۲۶۸)، قوس السبق (همان: ۲۶۸).

### دستوری (نحوی)

**کاربرد فعل ساده فارسی:** بیاموزد (همان: ۲۲۹)، آموختن (همان: ۲۲۹)، اندوختن (همان: ۲۲۹)، ورزد (همان: ۲۲۹)، (کارد) فرمودن (همان: ۲۳۱)، بورزند (همان: ۲۴۵)، یازد (همان: ۲۵۲، ۲۵۶)، اندازد (همان: ۲۵۷)، می‌ریخت (همان: ۲۶۴)، اندوزد (همان: ۲۶۸)، بیزد (همان: ۲۶۸)، تابد (همان: ۲۶۹)، بکاوند (همان: ۲۷۲)، ساختن (نوشتن) (همان: ۲۳۲)، دانست (دانش) (همان: ۲۵۶)، انداخت (همان: ۲۶۳)، اندازد (همان: ۲۶۳)، شکند (همان: ۲۶۳).

**کاربرد فعل مرکب با فعلیاری عربی:** حرب کنند (همان: ۲۳۲)، رغبت باشد (همان: ۲۳۱)، نظر کنند (همان: ۲۳۱)، لعب‌ها نمایند (همان: ۲۳۱)، هلاک کنند (همان: ۲۶۴)، کمین کرد (همان: ۲۶۴)، ترکیب کنند (همان: ۲۶۸)، نظام یافته (همان: ۲۳۰)، قتال کردن (همان: ۲۳۳)، رجوع نماید (همان: ۲۳۳)، متفکر شدند (همان: ۲۳۳).

**کاربرد فعل مرکب با فعلیاری فارسی:** گشاده شود (همان: ۲۶۳)، رای زدند (همان: ۲۶۴)، نبردی کند (همان: ۲۶۴).

**استفاده از ب زینت و تأکید در فعل‌ها:** بدیدن (همان: ۲۳۶)، بکند (همان: ۲۳۷)، بکشد (همان: ۲۳۸)، بورزند، بگشانید (همان: ۲۴۱)، بورزند (همان: ۲۴۵)، بینداخت، بزد (همان: ۲۳۶)، بساخت (همان: ۲۴۰)، بکشد (همان: ۲۵۴)، بیاید (همان: ۲۵۵)، بجنبانید (همان: ۲۵۷)، بینداخت (همان: ۲۵۷)، بیفتاد (همان: ۲۵۷).



کاربرد فعل بدون ب زینت یا تأکید: بیند، نشیند، رود، گویند (همان: ۲۵۴)، نشیند (همان: ۲۶۱).

کاربرد فعل با یای استمراری در آخر: آمدی / نبودی / کردندی (همان: ۲۳۶)، کردی، نشست (همان: ۲۳۶)، مشغول شدی (همان: ۲۴۰)، بدانستی (همان: ۲۴۰)، شروع کردی (همان: ۲۴۰)، بپردی و بفرمودی (همان: ۲۶۴)، ربودی (همان: ۲۶۴).

کاربرد عبارت فعلی: به پای داشتن (همان: ۲۶۸)، به کمال رسانیدن (همان: ۲۳۲).

کاربرد جمله‌های کوتاه و فعل‌های زیاد: «گروهی دانسته کار فرمایند و گروهی بی‌تعلیم آموزند و کار فرمایند و

به قدر مداومت نیکو شوند» (همان: ۲۲۹)، «و کمان در زمان ایشان بوده است گوش‌های آن دراز بوده است و ساز این زمان بهتر است و کمان چون بر زه بود کمان را برابر نهند و خم کمان را در حساب نیارند و خم کمان راثلث دایره نهند و چون کشیده بشود دایره تمام بود و چون کمان از زه بگشانید به پنج جزو از [ناخوانا] رازتر بود اما در حساب نیارند» (همان: ۲۴۱)، «و هر چه پیچ‌گاه از چنین تیر بسیار شود، و عیب بود، از آن بود که به گرفتن سست بار بسیار بر سوار نهد و سست آزاد شود و آن قوت کمان نیز بود که بر قوت تیرانداز زیادت بود و بر سر تیر خطی کشیده آید و آن را گوی خوانند و بسیار بود که از گرفتن چنان گرفته آید که پایان آن از تیر برخیزد و آن فاسد بود» (همان: ۲۴۲)، «باید که چله دورنگ باشد تا اگر زه وقتی به کمان پیچیده بود تاب باز توان داد و چون بر کمان کند اگر اندکی کوتاه بود چله را برابر میانه خانه کمان هم کند تا با قرار باز آید و ابریشم اینجا دراز نشود [ناخوانا] و زخم بر حلقه میان زه باشد (همان: ۲۴۳)، «و وقت بهتر آدمی را زمستان بود و هر آدمی که به زور کاری و قوت تعلق داشته باشد سرما سخت‌تر شود و در فصل بهار کمان که سخت‌تر باشد باید انداخت تا در کار آید و گشاده شود و تیر بسیار اندازد و هیچ وقت کمان سخت‌تر از زمستان نبود و تابستان بامدادان تیر سخت بود زمستان از فسرده‌گی و تابستان از خشکی و چون باد گرم شود کمان بسیار بشکند و در بهار کمان کمتر شکند» (همان: ۲۶۳).

کاربرد جمله‌های بدون فعل پایانی یا حذف فعل: «ساخته‌اند و... پرداخته و به یادگار گذاشته و... داشته»

(همان: ۲۳۳)، «و مردی بود که کوتاه بالاو... بزرگ شکم» (همان: ۲۳۷)، «و گفته‌اند سه سر زه کمان... منقار طوطی» (همان: ۲۶۱)، «پس واجب که» (همان: ۲۷۶)، «شمشیر از کارد بهتر باشد و نیزه نیز از شمشیر» (همان: ۲۳۱)، «به اجابت مقرون باد و لاحق» (همان: ۲۳۵)؛ «کمانی آورد و سه چوبه تیر» (همان: ۲۳۵)، «کشیدن دو منزل بود: یکی از سوار به نرمه گوش رسانیدن و دوم بیگان بر قبضه کمان به منزل خود» (همان: ۲۴۰)، «تا تیرانداز



را خوش آید و هر که بشنود» (همان: ۲۴۳).

**تقدیم فعل:** «آنگاه برفت از خزانه عرش کمانی آورد و سه چوبه تیر» (همان: ۲۳۵)، «همه خوبست و پسندیده» (همان: ۲۲۹)، «بر زه کمان نهد و راست» (همان: ۲۵۳)، «فراهم آرد محکم» (همان: ۲۵۳)، «بخواباند اندکی به تحریف» (همان: ۲۵۳)، «این پسندیده است بر شرف آدمیان» (همان: ۲۳۶)، «آدم را بیاموخت تیر بر کمان نهادن و گشادن» (همان: ۲۳۶)، «مربع بود و محکم» (همان: ۲۳۷)، «اول صفت زه بندد و پیچ پاک و محکم» (همان: ۲۴۳)، «کمان را بر ران چپ نهد بالای زانو» (همان: ۲۵۱)، «نگاه دارد بیحملی» (همان: ۲۵۴)، «به موم استوار کرد در هوا» (همان: ۲۵۷)، «و این معجزه است در تیراندازی» (همان: ۲۵۷)، «قوی پیچد و نرم» (همان: ۲۶۰)، «تیر را بدانجا رسانید در شب تاریک» (همان: ۲۶۴)، «مسافت زمین قطع نتوان کرد از گرما» (همان: ۲۶۴)، «اندمش نیکو بود و کشیده و قاطع» (همان: ۲۷۰)، «نهد کارد» (همان: ۲۷۲)، «تیر اندازند توجه آدمی» (همان: ۲۷۳)، «بهر پرتاب نیکو بود و محکم» (همان: ۲۷۵)، «و گوشه بر یکدیگر مخالف بود چپ و راست» (همان: ۲۴۰)؛ «نشانه بر جایش اندازد تا پرتاب» (همان: ۲۴۱)، «قبضه کمان باید که نیک باشد و پهن» (همان: ۲۴۳).

**کاربرد اسم با پیشوند الف:** اسفید (همان: ۲۷۱)، اسطبر (همان: ۲۶۹)، اشناه (همان: ۲۳۳)، اشتر (همان: ۲۶۹).

**کاربرد یای اضافه در پایان اسم:** ابتدای (همان: ۲۶۷)، منتهای (همان: ۲۷۲)، آنجای (همان: ۲۷۲)، خدای (همان: ۲۳۳).

**کاربرد «تر» فارسی همراه با کلمه عربی:** علیحده‌تری (همان: ۲۴۱).

**تخفیف واژه:** سخر (همان: ۲۶۸)، بتر (همان: ۲۷۶)، پادشه (همان: ۲۳۲)، دوستر (همان: ۲۳۳)، فتاد (همان: ۲۳۶).

**کاربرد مترادفات و کلمات معطوف:** «شرایط و آداب» (همان: ۲۳۳)، «از اصول و اسامی و رزمی و بزمی و تعلیم و تقدیم و تعویج و تقویم و صلاح و فساد و شرط و ادب و دقیقه طریقه» (همان: ۲۳۴)، «اهل عرب و عجم و ترک و هند» (همان: ۲۳۴)، «ادراک تیر و کمان و کوتاه و دراز و دور و نزدیک و قوانین آدمی و ابتدای صندوق و نشانه آماج و پرخاش و الگو و پرتاب و ترتیب آدمی و وقت آن» (همان: ۲۳۴)، «بدان آراسته و بافرهنگ گردد» (همان: ۲۲۹).



«هنر آموختن و اندوختن شرف و بزرگی مردم است» (همان: ۲۲۹)، «این دو چیز را طالب بودن و و تعظیم نمودن» (همان: ۲۲۹)، «دل‌های مستقیم طبع‌های نقاد خاطرهای وقاد» (همان: ۲۳۰)، «شاکر و ذاکر» (همان: ۲۳۴)، «فاخر و پسندیده» (همان: ۲۴۵)، «دیگر گویند در عرب مردی بوده است... سهمناک» (همان: ۲۶۳-۲۶۴)، «جمله مبارزان و پهلوانان» (همان: ۲۶۴)، «منقاد و مسخر» (همان: ۲۶۴)، «نیکو و پسندیده» (همان: ۲۶۴-۲۶۵)، «راستی و محکمی» (همان: ۲۷۴)، «بی‌هنر و بی‌علم» (همان: ۲۳۰)، «دلیری و شجاعت» (همان: ۲۳۲)، «حرب و جنگ» (همان: ۲۳۶)، «با تمام ترتیب و تقریر و تحریر» (همان: ۲۳۵).

**کاربرد صفات پی‌درپی و متراکم:** «نیکوروی و نیکوقدوقامت و نیکوجامه و نیکو تیروکمان و نیکو خلق و بادب» (همان: ۲۳۶)، «مردان درازبالا و درازدست و پهن‌کتف» (همان: ۲۳۶)، «ضعیف و لاغر و نزار» (همان: ۲۳۷)، «گوشه کوتاه و خانه دراز و قبضه دراز و تنک و پهن و کفچه» (همان: ۲۴۳)، «پاک و نیکو و درست و محکم» (همان: ۲۴۳)، «نکو و سخت و آزاد و پسندیده» (همان: ۲۴۷).

**کاربرد قید:** به تمام (همان: ۲۳۸)؛ ابدالهر (همان: ۲۲۹)، خصوصاً (همان: ۲۳۰)، به‌غایت (همان: ۲۶۹)، به‌حقیقت (همان: ۲۷۶)، به‌اتمام (همان: ۲۴۰)، به‌صواب (همان: ۲۴۳)، هرآینه (همان: ۲۳۴).

**کاربرد رای اضافه:** «تیر انداختن آدم را تعلیم کرد» (همان: ۲۳۲)، «این ضعیف را در شهر صفاهان استادی هست» (همان: ۲۳۴)، «مرا چه بوده است» (همان: ۲۳۵)، «ترا تیراندازی می‌باید کردن» (همان: ۲۳۵)، «به خطای من ترا شادی آمد؟» (همان: ۲۳۶)، «آدم را بیاموخت» (همان: ۲۳۶)، «بر ذمه وی حقی بود استاد را» (همان: ۲۳۴)، «شاگرد را آن صنعت همچو اسبابی بود که مادام دخل آن برمی‌دارد.» (همان: ۲۳۴)، «بر ذمه وی حقی بود استاد را» (همان: ۲۳۴).

**کاربرد رای مسندالیهی:** «چون کافران و دشمنان را از تیراندازی مسلمانان خبر شد» (همان: ۲۳۳)، «تیرانداز را از شناخت ساز ناگزیر است» (همان: ۲۳۴).

**وجود حشو در کاربرد حروف:** «در بعد از آدم او ظاهر کرد» (همان: ۲۳۹)، «تیزی او از چوب و از شاخ بیشتر بود» (همان: ۲۴۳)، «در شب تاریک به حدت اطراف پیکان تیر، از مژه از چشم مورچه بریاید» (همان: ۲۳۴).

**کاربرد «ش» مفعولی پیوسته:** «جدا کنندش» (همان: ۲۳۱)، «چنگل بازش خوانند» (همان: ۲۵۲).



### ۳. نتیجه‌گیری

رساله جامع الهدایه فی علم الرمایه اثر درودباشی، نویسنده‌ای شیعه‌مذهب، در فنون تیراندازی و کمانداری است که به دلیل اشتمال بر واژگان و اصطلاحات فراوان تخصصی دارای اهمیتی برجسته است. سبک نگارش این رساله ساده و روان، ولی عاری از خلاقیت نوشتاری است. در این رساله واژگان و اصطلاحات کهنه و ناشناخته‌ای به کار رفته است که نمونه‌های آن را در کمتر متونی می‌توان یافت. حذف فعل در پایان جمله، تقدیم فعل، کاربرد کلمات عربی، استفاده از صفات پی‌درپی و نیز مترادفات و کلمات معطوف از دیگر ویژگی‌های سبکی این رساله است. کاربرد باورهای دینی در انتقال محتوا و بیان موضوعات، اشاره به آیات و احادیث، مدح و نعت ائمه معصوم به‌ویژه حضرت علی (ع)، استفاده از حکایت‌ها، به‌کارگیری اشعار شاعران برجسته فارسی به تناسب موضوع و استوارداشت کلام از جمله محتوای فکری این رساله است. این رساله عاری از ویژگی‌های ادبی ممتاز است. از میان صناعات ادبی، نویسنده بیشتر به تشبیه و پس از آن به کنایه توجه دارد و در نوع تشبیهات بیشتر تشبیه بلیغ اسنادی است. همچنین در به‌کارگیری کنایات براساس موضوع، خلاقیت به کار برده است.

با توجه به ارزش و اهمیت فراوان این رساله در فهم فن تیراندازی و کمانداری و تکمیل دیگر رساله‌های مربوط به این موضوع و وجود اشکالات بی‌شمار در چاپ اولیه آن، تصحیح و چاپ ویراسته آن براساس نسخه‌های نویافته ضرورت دارد؛ همچنین در مرحله بعد می‌توان واژگان و اصطلاحات آن را برای چاپ در فرهنگ‌های لغات ثبت و ارائه کرد.



## عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

## منابع

- افشاری، مهران و فرزاد مروجی، رساله‌های تیراندازی: ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری، مقدمه، تصحیح و توضیح، تهران: چشمه، ۱۳۹۷.
- بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۵.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ویراستار مجتبی درایتی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- درودباشی، احمد بن محمد، جامع الهدایه فی علم الرمایه، فرهنگ ایران زمین، جلد یازدهم، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۴۲.
- درودباشی، احمد بن محمد، نسخه خطی جامع الهدایه فی علم الرمایه، شماره نسخه: ۲۸۸/۷، به کتابت حسین نظام قرشی ساوجی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، استنساخ: ۹۸۲ ق.
- درودباشی، احمد بن محمد، نسخه خطی جامع الهدایه فی علم الرمایه، شماره نسخه: ۲۰۹۴-ف، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، استنساخ: بی‌تا.
- درودباشی، احمد بن محمد، نسخه خطی جامع الهدایه فی علم الرمایه، شماره نسخه: ۴۲۹۶/۱، به کتابت کمال‌الدین حسینی، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، استنساخ: ۱۱۶۲ ق.
- درودباشی، احمد بن محمد، نسخه خطی جامع الهدایه فی علم الرمایه، شماره نسخه: ۱۷۸۴۹، تهران:



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، استنساخ: بی تا.

- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوازدهم، تهران: متیرا، ۱۳۸۷.
- فخر مدبر، محمد بن منصور، آداب الحرب و الشجاعه، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال، ۱۳۴۶.